



Atlantic Council

مادورو از روسیه چه کمکی می‌تواند بگیرد

به‌نظر می‌رسد کاراکاس در تیرس واشنگتن قرار گرفته است. از ماه اوت، زمانی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برای اولین بار دستور داد کشتی‌های جنگی به سمت سواحل ونزوئلا اعزام شود، کاخ سفید چندین حمله هدفمند به کشتی‌های مظنون به حمل مواد مخدر در حال ترک ونزوئلا را تأیید کرد و اجازه داد تا سازمان اطلاعات مرکزی موسوم به سیا در داخل کشور عملیاتی را انجام دهند. برخی از مقامات آمریکایی به‌طور خصوصی گفته‌اند که هدف برکناری نیکولاس مادورو، رهبر ونزوئلا از قدرت است با اینکه اهداف استراتژیک آمریکا همچنان نامشخص است.

مادورو که با فشارهای فزاینده از جمله خطر حملات نظامی قریب‌الوقوع آمریکا روبه‌رو است، حالا به متحدان اتوکرات ونزوئلا برای دریافت کمک روی آورده است. بر اساس گزارش واشنگتن‌پست، مادورو از چین، ایران و روسیه برای دریافت موشک‌ها، رادارها، پهپادها و دیگر قابلیت‌ها و کمک‌های نظامی در خواست کمک کرده است. از این سه کشور، روسیه مدت‌هاست که مهم‌ترین شریک ونزوئلا به‌شمار می‌رود و طبق گزارش‌ها مادورو در ماه اکتبر درخواست خود را مستقیماً به ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه فرستاده است. اما با حمله تمام‌عیار روسیه به اوکراین که حالا سومین سال خود را می‌گذراند و اقتصادی که از قبل تضعیف شده بود و حالا با فشارهای فزاینده از موج جدیدی از تحریم‌های آمریکا و اروپا روبه‌رو شده، محدودیت‌های قابل توجهی مقابل کمک‌هایی وجود دارد که مسکو می‌تواند برای مادورو فراهم کند و یک سوال باز این است که در صورت تهدید رهبر ونزوئلا، روسیه می‌تواند به ارسال این کمک‌ها ادامه دهد یا نه.

روسیه و ونزوئلا مدت‌هاست که روابط نزدیکی دارند و از سال ۲۰۰۰ زمانی که هوگو چاوز، رئیس‌جمهور ونزوئلا برای دریافت کمک‌های مورد نیاز سراغ پوتین رفت، این همکاری عمیق‌تر شده است. در ۲۵ سال بعدی از آن زمان، روسیه یکی از منابع حیاتی کمک‌های نظامی و اقتصادی برای ونزوئلا بوده است. در حالی که شرکت‌های نفتی مرتبط با روسیه به‌زای سرمایه‌گذاری‌های خود مقداری نفت دریافت کردند، مزیت اصلی سرمایه‌گذاری مسکو در ونزوئلا، ژئوپلیتیکی است. روسیه در ازای تسلیحات و پول می‌تواند پایگاه قابل توجهی در آمریکای جنوبی پیدا کند که به پوتین کمک می‌کند به جاه‌طلبی‌های خود مبنی بر تبدیل روسیه به قدرتی بزرگ و به چالش کشیدن آمریکا در نیمکره خود برسد. حمایت روسیه از ونزوئلا توانایی کرملین برای اینکه عاملی مخرب مقابل منافع آمریکا باشد، تقویت می‌کند و این پتانسیل را دارد تا توجه و منابع آمریکا را از مقابله با حملات روسیه در اوکراین و کشورهای دیگر در اروپا پرت کند.

شرکت‌های نفتی روسی دهه‌هاست که در ونزوئلا سرمایه‌گذاری کرده‌اند و این سرمایه‌گذاری کمک کرده تا شرکت نفت دولتی ونزوئلا موسوم به PDVSA بتواند در سال‌های اخیر به تولیدات خود ادامه دهد. ماه گذشته روسیه و ونزوئلا یک پیمان مشارکت راهبردی امضا کردند که خواستار توسعه همکاری در بخش‌های انرژی، معدن، حمل و نقل، ارتباطات و مقابله با تروریسم است. با این حال سود مالی از این سرمایه‌گذاری‌ها قابل توجه نبوده است. در سال ۲۰۱۹، روبرتز گزارش داد کمپانی‌های روسی هنوز نتوانسته‌اند ضرر ناشی از میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در نفت این کشور در طول سال‌های قبل را به صفر برسانند. با این حال، شرکت‌های روسی همچنان حق اکتشاف ذخایر نفت و گاز را دارند که بالقوه میلیاردها دلار ارزش دارد.

مادورو نباید انتظار داشته باشد که پوتین بتواند او را نجات دهد. روسیه همچنان با مشکلات اقتصادی روبه‌روست که توانایی او را برای ارائه کمک به ونزوئلا کاهش می‌دهد. در ماه اوت زمانی که مادورو برای سالگرد ۸۰ سالگی روابط دوجانبه به مسکو سفر کرد، بدون هیچ وام یا کمک مالی به خانه بازگشت. انتظار نمی‌رود روسیه حمایت نظامی قابل توجهی ارائه کند حتی اگر آمریکا به‌نوعی حملات هدفمند در داخل ونزوئلا انجام دهد. با وجود محدودیت‌ها، پوتین قطعاً می‌خواهد یک شریک قابل اعتماد و ارزشمندی برای تمام اتوکرات‌ها در سراسر جهان دیده شود.

بین‌الملل
INTERNATIONAL



در ۲۸ اکتبر ۲۰۲۴، گروهی از مقامات اطلاعاتی کره جنوبی به کشورهای عضو ناتو و سه شریک ایندوپاسیفیک این ائتلاف یعنی استرالیا، ژاپن و نیوزیلند، از پیش‌رفتی شوکه‌کننده در جنگ اوکراین خبر دادند: اعزام هزاران نفر از سربازان کره شمالی به منطقه کورسک در روسیه برای کمک به اقدامات جنگی این کشور. این حقیقت که ستول برای انتقال این اطلاعات، تحلیل‌گران اطلاعاتی ارشد خود را به بروکسل فرستاد، تقریباً به‌اندازه تصمیم کره شمالی برای ورود جنگ اوکراین خیره‌کننده بود. هر دو اقدام نشان‌دهنده واقعیت جدیدی است. کشورهای متخاصم با آمریکا به روش‌های بی‌سابقه‌ای با یکدیگر هماهنگ شده‌اند و یک میدان متحدتری از رقابت در اوراسیا را تشکیل داده‌اند. در مقابل، متحدان آمریکا تلاش می‌کنند با یکدیگر متحدتر شوند. به مدت چند سال، آمریکا این ائتلاف را رهبری کرد و در سال ۲۰۲۱ با استرالیا و انگلستان توافقنامه امنیتی آکوس را تشکیل داد. در سال ۲۰۲۲، ناتو از کشورهای آسیایی دعوت کرد تا در نشست‌های سالیانه آن شرکت کنند و در سال ۲۰۲۴، ژاپن، کره جنوبی و آمریکا و اتحادیه اروپا ائتلافی را برای کاهش تسلط چین بر زنجیره تامین دارو تشکیل دادند اما امروز به نظر می‌رسد آمریکا در رقابت با قدرت‌های بزرگ برای توزیع دارو از رویکردی فرامنطقه‌ای استفاده می‌کند. در ماه مه، البریج کولبی، معاون وزیر دفاع آمریکا در امور سیاستگذاری، مقامات بریتانیا را متقاعد کرد تا از اعزام مقرر یک ناو هواپیمابر به ایندوپاسیفیک خودداری کنند. به گفته یک منبع ناشناس که با پلیتیکو گفت‌وگو کرده، موضع کولبی به‌طور خلاصه این است: «ما شما را آنجانی خواهیم.» او آنها را تشویق کرد تا در عوض بر تهدیدهای نزدیک به خانه، به‌عبارت دیگر روسیه، متمرکز شوند. واشنگتن حالا متحدان آسیایی و اروپایی خود را تشویق می‌کند تا حواس‌شان به همسایگان خود باشد؛ گریزی به سیاست خارجی قدیمی که کارکردی برای امروز ندارد. چین و روسیه اقدامات فراقانونی خود را هماهنگ می‌کنند، سلاح و دانش فنی را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند. این دو کشور با هر کشور دیگری که با آمریکا تاکنون روبه‌رو شده، تهدیدی قدرتمندتر ایجاد می‌کنند. مرزهای بین آسیا و اروپا در حال محو شدن است و وقوع بحران در یک قاره اثر سراتی به قاره دیگر را دارد. اگر آمریکا نتواند بر شبکه جدید این متحدان نفوذ کند، ممکن است در نظم جهانی جدید خود را در حاشیه ببیند.

ارتباط امنیت آسیا و اروپا با برتری آمریکا

برتری آمریکا به امنیت آسیایی‌ها و اروپایی‌ها بستگی دارد. در اواخر سال‌های ۱۹۴۰، نیکولاس اسپایکمن، دانشمند علوم سیاسی درباره اهمیت فرماندهی مناطق حاشیه ساحلی یا مناطق ساحلی اطراف قاره اوراسیا صحبت کرد. او می‌نویسد: «هر کسی که اوراسیا را کنترل کند، سرنوشت جهان را کنترل می‌کند.» از آن زمان، تمام رؤسای جمهور آمریکا، به استثنای دونالد ترامپ، باور اسپایکمن را بازگو کرده‌اند. آنها همچنین این باور را مطرح کرده‌اند که آمریکا هیچ‌وقت نباید اجازه دهد یک بلوک قدرتمند اوراسیا که می‌تواند منافع آمریکا را تهدید کند، ظهور کند. ظهور کند. هرگونه همسویی قدرت‌های منطقه‌ای، چه به‌عنوان متحد چه در قالب اپوزیسیونی هماهنگ مقابل ایالات متحده، می‌تواند تهدیدی برای برتری آمریکا باشد. زمانی که این امر در سال‌های ۱۹۱۰ و دوباره در سال‌های ۱۹۳۰ اتفاق افتاد، پای آمریکا به دو جنگ مخرب جهانی باز شد. بنابراین، در حالی که رهبران آمریکایی پس از جنگ جهانی دوم خود را قاطعانه به امنیت آسیا و اروپا متعهد کردند، آنها در ۵۰ سال بعد بیشتر اوقات تلاش کردند تا دشمنان آمریکا را دوباره و متحدان آمریکا را دور از یکدیگر نگه دارند.

این رویکرد توانست دهه‌ها برتری آمریکایی را حفظ کند اما دیگر برای هدف مورد نظر این کشور پاسخ نمی‌دهد. ایالات متحده حالا با چشم‌انداز ظهور بلوک نظامی-صنعتی روبه‌رو شده است. چین، بزرگ‌ترین اقتصاد جهان از نظر برابری قدرت خرید به دنبال همکاری با روسیه است که صرفاً در اسم یک ائتلاف نیست. هر دو کشور ارتش قدرتمند و سال‌ها تجربه در اجرای عملیات‌های هیبریدی مثل حملات سایبری، اختلال در حمل و نقل دریایی و کمپین‌های انتشار اطلاعات نادرست دارند. سال گذشته، روسیه یک پیمان دفاعی مشترک با کره شمالی امضا کرد. چین مانورهای نظامی مشترک با بلاروس و صربستان انجام داد. در این میان چین و روسیه از نهادهایی مانند سازمان همکاری شانگهای و بریکس، نام گروهی که برگرفته از ۵ عضو آن، برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی است، استفاده کردند تا برای برنامه‌های خود لایه‌ای از مشروعیت را فراهم کنند. با اینکه این یکپارچگی بی‌قاعده از کشورهای متخاصم به‌جای منافع مشترک بر اساس گلایه‌های مشترک شکل گرفته، آمریکا نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. جو بایدن، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، نیاز به متحد کردن ائتلاف‌ها را با سرمایه‌گذاری در روابط فرامنطقه‌ای درک کرد و به‌دنبال «توسعه ائتلاف‌های دموکراتیک» بود. این پیمان مثلاً تلاش‌های جاه‌طلبانه برای ایجاد ارتباط میان صنایع دفاعی متحدان در کشورهای سراسر اقیانوس آرام و اقیانوس اطلس در روش‌های بنیادی جدید بود. با

نظم جدید اوراسیا

همسویی قدرت‌های شرق آسیا و اروپا چه به عنوان متحد چه در قالب اپوزیسیونی هماهنگ مقابل آمریکا تهدیدی برای برتری واشنگتن است

تکس: Reuters



یاسمن طاهریان
خبرنگار گروه بین‌الملل

گلن دیسن، دانشمند علوم سیاسی در کتاب جدید خود با عنوان «جنگ اوکراین و نظم جهانی اوراسیا» می‌نویسد: «پانصد سال هژمونی غرب رو به پایان است، درحالی‌که آرمان اکثریت کشورهای جهان برای نظم جهانی مبتنی بر چندقطبی بودن و برابری حاکمیت‌ها در حال افزایش است.» او در این کتاب از مرگ هژمونی لیبرال می‌نویسد و در عین حال اشاره می‌کند که نظم جهانی چندقطبی بر اساس «عدم مداخله در امور داخلی کشور دیگر» یا همان حاکمیت وستفالی هنوز شکل نگرفته و جهان در دوره‌ای از فترت قرار گرفته است. دیسن می‌گوید یک خلأ قانونی پدید آمده است که در آن طرف‌های درگیر برای تعریف نظم آینده با هم رقابت می‌کنند. توسعه طلبی ناتویکی از مؤلفه‌های مهم هژمونی لیبرال بود چون هدف آن تحکیم هژمونی جمعی غرب به عنوان

صحتی از امنیت ایندوپاسیفیک نمی‌شود. جلسات میان ایالات متحده و کشورهای آسیایی دیگر اشاره‌ای به اهمیت صلح در اوکراین نکردند. در ماه ژوئن، برای اولین بار در سه سال، رهبران ایندوپاسیفیک از شرکت در نشست ناتو حذف شدند؛ به‌رغم آنکه مشارکت‌های قابل توجه این کشورها به صنایع دفاعی اروپایی‌ها قابل توجه بوده است. به‌نظر می‌رسد دولت ترامپ از متحدانش، به‌ویژه اروپایی‌ها، می‌خواهد تا به همسایه‌های خود توجه کنند تا بتواند مسئولیت بزرگتری را برای امنیت خود تقبل کند. ایالات متحده بر حفظ نظم در نیمکره غربی، دفاع از خانه و محدود کردن تعهدات آمریکا در خارج از کشور متمرکز شده است. با این حال کشورهای متخاصم با آمریکا منابع فنی و نظامی خود را به‌شیوه‌ای با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند که می‌تواند به فرسایش تک‌تک متحدان آمریکا و درگیری‌های منطقه‌ای طولانی منجر شود. علاوه بر آن، چین و روسیه در حال ارسال ابزارهای سایبری، فضایی و ابزارهای دیگر به سراسر جهان هستند که این احتمال را کاهش می‌دهد که هر بحرانی را می‌توان داخل یک منطقه جغرافیایی نگه داشت. جدایی متحدان آسیایی و اروپایی از یکدیگر، آمریکا و دوستانش را ضعیف‌تر می‌کند. خطر وقوع بحران همزمان در چند میدان در حال افزایش است. واشنگتن و متحدانش نیاز دارند تا برای مهار چند کشور متخاصم در مناطق مختلف آماده شوند. توانایی آنها یا عدم آن برای فراخواندن یک جبهه یکپارچه، محاسبات رهبران در یکن و مسکو را شکل می‌دهد. دوستان و دشمنان ایالات متحده برای بار دیگر دارند با یکدیگر همسو می‌شوند. واشنگتن می‌تواند در حاشیه بنشیند یا تلاش کند این نظم نوظهور را به نفع خود شکل دهد.

فناوری‌های چینی و سربازان کره شمالی که به اقدامات جنگی روسیه در اوکراین کمک می‌کنند، شرکای اروپایی آمریکا می‌دانند که نمی‌توانند در حاشیه ژئوپلیتیک آسیا باقی بمانند. شرکای ایندوپاسیفیک می‌دانند که آنچه امروز در اوکراین اتفاق می‌افتد می‌تواند بر شیوه رویکرد فردای چین در قبال تایوان تأثیر بگذارد. همانطور که یوشیماسا هایشی، وزیر خارجه پیشین ژاپن گفته است، امنیت در اروپا و امنیت در اقیانوس آرام «جدا از هم نیستند». در طول هفت سال گذشته، فرانسه، آلمان، هلند، انگلستان و اتحادیه اروپا، پیش‌نویس استراتژی‌های جدید ایندوپاسیفیک را ارائه کردند که بر اهمیت همکاری با دموکراسی‌های آسیایی برای ساخت زنجیره‌های تامین انعطاف‌پذیر و حفاظت از آزادی دریاها تأکید کردند. در سال ۲۰۲۱، آلمان و هلند برای اولین بار در چند دهه، ناوچه‌های خود را به ایندوپاسیفیک فرستادند. به گفته انیستیتو کی‌یل، یک اندیشکده آلمانی، ژاپن از فنلاند، فرانسه یا لهستان کمک‌های دوجانبه اقتصادی و بشردوستانه بیشتری به اوکراین فرستاده است. از ماه ژانویه، ایالات متحده در برابر روابط رو به رشد میان شرکای آسیایی و اروپایی مقاومت کرده است. در ماه سپتامبر، ترامپ گفت که «هیچ نگرانی» از محور در حال شکل‌گیری چین-روسیه مقابل آمریکا ندارد.

پیتر هگزت، وزیر دفاع آمریکا در نشست «دیالوگ شانگری‌لا»، بزرگ‌ترین کنفرانس دفاعی سالانه آسیا از متحدان اروپایی آمریکا خواست تا «مزیت نسبی خود» را در قاره خود «به حداکثر برسانند» و به آنها یادآور شد که «حرف نون در ناتو مخفف اتلانتیک شمالی است». بازخوانی نشست‌ها بین مقامات پنتاگون و متحدان اروپایی نشان می‌دهد که بر خلاف چند سال گذشته دیگر

FOREIGN AFFAIRS



لیندزی فورד
مدیر ارشد برای جنوب آسیا در شورای امنیت ملی آمریکا از سال ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۵



جولین اسمیت
نماینده سابق آمریکا در ناتو و معاون مشاور امنیت ملی آمریکا در زمان جو بایدن در سمت معاون ریاست جمهوری آمریکا